

بررسی اثر زندان بر زندانی*

دکتر جعفر سخاوت**

تاریخ دریافت: ... ۸۱/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ... ۸۲/۶/۲

چکیده

اثر زندان بر زندانی معمولاً با بررسی تکرار جرم پس از آزادی انجام می‌گیرد. در این بررسی اثر زندان بر زندانی از طریق سه متغیر مهم مورد تأکید جامعه‌شناسان مکتب کنترل مانند گاتفردسون (Gottfredson) و هرشی (Hirshe) ارزیابی می‌شود. این سه متغیر که موجب هم‌نوایی زندانی با جامعه می‌شوند، عبارتند از: میزان پیوستگی زندانی با خانواده، با جامعه و

* این پژوهش به پیشنهاد و حمایت مالی مرکز آموزشی و پژوهشی زندان‌ها در زمستان ۱۳۷۸ آغاز شد و در زمستان ۱۳۷۹ به پایان رسید. بدین وسیله از حاج‌آقا بختیاری، رئیس محترم سازمان زندان‌ها، آقای مظفر الوندی، مدیر محترم سازمان پژوهشی زندان‌ها و آقای نصرالله غلامی، معاون محترم سازمان پژوهشی که در تمام مراحل این پژوهش، همکاری صمیمانه داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

drsekhawat@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

تصویر از خود زندانی.

متغیرهای مستقل در این بررسی به سه بخش تقسیم شده‌اند: خصوصیات فردی زندانی، وضعیت جرم و شرایط زندان. جمعیت مورد مطالعه، کلیه زندانیانی هستند که در طول یک هفته، یک‌روز در میان به دو زندان قصر و اوین وارد شده‌اند. این زندانیان در دو نوبت، یک بار بعد از ورود و یک بار بعد از دو و چهار ماه اقامت در زندان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها حاکی از آنند که بین داشتن ملاقات‌کننده، فقدان پرونده محکومیت، متولد خارج از تهران بودن، و داشتن جرایم غیرمالی، با پیوستگی به خانواده همبستگی وجود دارد.

توقف کم‌تر در زندان و عدم دریافت حکم محکومیت، با پیوستگی به جامعه همبستگی دارد. نوع زندان (زندان اوین)، داشتن ملاقات‌کننده و فقدان محکومیت قبلی، با تصویر از خود زندانی همبستگی نشان می‌دهد.

غیر از همبستگی‌های پیش‌گفته، این بررسی نشان می‌دهد که زندان به مثابه یک سازمان بسته اجتماعی نمی‌تواند به هدف اصلاح زندانی و هم‌نوایی او با جامعه و خانواده و ایجاد یک تصویر از خود مطلوب توفیق یابد. تغییر شکل زندان از بسته به نیمه‌باز و باز و استفاده از شیوه‌های مدیریت اصلاحی در پایان توصیه شده است.

واژه‌های کلیدی: زندان، زندانی، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی

طرح مسئله

ویژگی‌های زندان

پژوهش «اثر زندان بر زندانی» بر این فرض استوار است که زندان یک سازمان بسته اجتماعی (total institution) است که محدوده آن با چیزی مانند دیوار، سیم یا چیزی شبیه آن از جامعه جدا می‌شود و ساکنان آن امکان ارتباط با دنیای بیرون را ندارند.

زندان سازمانی است که همه فعالیت‌های آن زیر نظر مدیریتی واحد قرار دارد. در حالی که فعالیت‌های مردم جامعه نظیر خوابیدن، بازی کردن، و کار کردن در سازمان‌های مختلف با مدیریت‌های مختلف انجام می‌شود. در زندان و سایر سازمان‌های بسته، همه فعالیت‌های اعضا، مقابل دیگر افراد گروه است و رفتار اعضای آن در معرض کنترل و نظارت دیگران است. فعالیت‌های اعضا توسط مسئولان سازمان برنامه‌ریزی می‌شود. رابطه بین نگهبان و مسئولان زندان با زندانی‌ها به صورت رابطه فرمانده با فرمانبر است و شکافی عمیق بین مسئولان و زندانی‌ها وجود دارد. مدیران کم‌تر به اعضا اعتماد دارند و رفتار اعضا غالباً تصنعی و ظاهری است. فاصله اجتماعی بین دو گروه نسبتاً زیاد است، ارتباطات رسمی است. زندانیان از تصمیمات مدیران بی‌اطلاعند و این فاصله زمینه را برای افکار قالبی علیه یکدیگر فراهم می‌کند.

انگیزه زندانیان برای کار در زندان با انگیزه مردم جامعه یکسان نیست. کارگر در مقابل ساعات معینی کار در جامعه دستمزد می‌گیرد و هرگونه بخواهد آن را هزینه می‌کند. اما ارزش کار زندانی با کار کارگران در بیرون زندان یکسان نیست و چگونگی پاسخ به نیازهای زندانی توسط زندانی تعیین نمی‌شود (Goffman, 1961: 274-8).

به طور کلی می‌توان گفت زندان یک سازمان چندمنظوره است. هم محل اقامت اعضا است، در عین حال یک سازمان رسمی اجتماعی است که هرگونه رفتار اعضا توسط دیگران نظارت و کنترل می‌شود. زندان یک سازمان بوروکراتیک، عقلایی و آمرانه است. روابط ساکنان بر اساس سلسله‌مراتب است، و وظایف اعضا دقیقاً تعریف و مشخص شده است.

با توجه به این خصوصیات، مطالعه آثار زندان بر زندانی مورد علاقه و توجه جامعه شناسان قرار دارد. این مطالعه احتمالاً می‌تواند بخشی از ویژگی‌های این سازمان بسته اجتماعی را آشکار سازد.

اهداف زندان

در گذشته، هدف مهم زندان مجازات زندانی بوده و آزار جسمی و روانی زندانی امری طبیعی بوده است. به تدریج، اهداف جدیدی وارد سازمان زندان شده است. مدیران می‌کوشند تا به زندانی به چشم یک انسان خطا کار نگاه کنند که قابل اصلاح است و در جهت اصلاح زندانی از علوم مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و غیره استفاده می‌کنند. اعمال شیوه‌های اصلاح و درمان با مشکلاتی مواجه است و مطالعاتی از این دست می‌تواند پیچیدگی‌های این سازمان بسته را آشکار سازد.

مشکلات اصلاح در زندان

مراقبت از زندانی و ایجاد نظم در زندان اسباب و وسایلی می‌طلبد که با درمان و رعایت حقوق زندانی مغایرت دارد. زندانیان با میل و رغبت خود وارد زندان نمی‌شوند و هنجارهای رسمی و دستورالعمل‌های سازمان را مشروع نمی‌شناسند. این وضع حتی با سربازخانه قابل مقایسه نیست، زیرا سربازان حداقل مشروعیت دستورات مافوق را می‌پذیرند. زندانیان به دلیل اقامت در زندان از امتیازات فردی و اجتماعی، نظیر دیدار با خانواده، استفاده از غذای دلخواه و فعالیت‌های روزانه شغلی و اجتماعی محروم هستند. چنین وضعیتی شرایط مناسبی برای کار اصلاح و درمان فراهم نمی‌کند.

از سوی دیگر حفظ نظم و امنیت در درون زندان اهمیت دارد. استفاده از روش‌های اصلاحی و درمان در زندان با محدودیت‌های امنیتی روبه‌رو است، به طوری که مشاوران و درمانگران کم‌تر قادرند برنامه‌های خود را به سود زندانی پیش ببرند و به تدریج کار آنان به نقش میانجی میان زندانی و مسئولان زندان کاهش می‌یابد.

به رغم این مشکلات، زندان در همه جای دنیا تداوم یافته است، و در عین حال تلاش می‌شود شیوه‌هایی جدید را جایگزین زندان کنند.

طرح مسئله و هدف پژوهش

نگهداری مجرمان در زندان معمولاً با اهداف مختلف و غالباً متناقض انجام می‌گیرد. گاه هدف از نگهداری مجرمان اصلاح و درمان است و گاه مجازات و ارعاب دیگران. در وضعیت موجود، چنین به نظر می‌رسد که این دو هدف با هم آمیخته شده است و زندان‌ها معمولاً برحسب امکانات و موقعیت‌هایی که دارند، بر یکی از آن‌ها تأکید می‌کنند. مسئله مورد مطالعه در این پژوهش نشان دادن آثار زندان به مثابه یک سازمان اجتماعی بر زندانی‌هایی است که تمام وقت در آن‌جا اقامت دارند و نشان دادن آثاری است که زندگی در زندان بر پیوستگی زندانی با جامعه، پیوستگی او با خانواده و خودپنداره او دارد.

زمینه‌های تاریخی

مفهوم زندان در طول تاریخ برحسب زمان و مکان یکسان نبوده و همراه با تحول و تغییر جوامع، دچار تغییر و تحول گردیده است.

در جوامع اولیه، نظام اجتماعی از وحدت و قدرت زیادی برخوردار بود و همه رفتارهای آدمی توسط آداب و رسوم قومی تعیین می‌شد و جایی برای وضع قانون وجود نداشت. در آن روزگار، مجازات متخلف تابع نظم و قاعده‌ای نبود و در موارد تخلف، نه تنها مجرم بلکه تمام افراد خانواده او مسئول شناخته می‌شدند و انتقام از آن‌ها بسیار شدید بوده است.

پس از یک دوره تحول و دگرگونی در نظام اجتماعی، جوامع انسانی به سوی یکتاپرستی تحول می‌یابند. رهبران مذاهب مردم را از هر قبیله و قوم به پرستش خدای یگانه، رحم و شفقت، و گذشت و بخشش دعوت می‌کنند.

در این دوره، حد و مرزی برای انتقام قائل می‌شوند. قصاص به جای مجازات‌های بی‌حد و مرز قرار می‌گیرد. در قانون، قصاص را اصلی شخصی برای مجازات بر می‌شمرند که مسئولیت دسته‌جمعی خانواده را از بین می‌برد. افراد خانواده مجرم در واقع شامل مجازات

نمی‌شوند.

در جریان تحول و دگرگونی اجتماعی، اجرای اصل قصاص نیز تعدیل می‌یابد، به این معنی که مجرم در مقابل ضرروزیان وارده می‌تواند به پرداخت «دیه» یا «تاوان» یا تراضی مجنی‌علیه یا خانواده‌اش اقدام کند. پذیرش اصل «دیه» یا «تاوان» باعث گردید تا از مجازات‌های غیرانسانی در این دوره تا حدی کاسته شود.

تاریخچه زندان در ایران

با تسلط اعراب بر ایران، قدرت مرکزی حاکم بر ایران شکسته شد. اقتدار شاه و به دنبال آن، شیوه‌های کیفر مجرمان تغییر کرد. مسلمانان فاتح برای برقراری نظم، امنیت اجتماعی، بسط عدالت و ترویج دین مبین اسلام بر اجرای احکام اسلامی به نحوی که در منابع معتبر آمده بود تأکید کردند و به ترویج احکام مربوط به عبادات، معاملات و احکام حقوقی نظیر قصاص، حدود، دیات و تعزیرات پرداختند. به قول گافمن «هر چند در ایران حقوق رسمی کشور پس از فتح مسلمین، همان حقوق اسلامی بوده است، ولی رفته‌رفته حکام و افراد مستنذ در حوزه حکومت و اقتدار، خود مقصران و مخالفان را با نهایت شقاوت و قساوت مجازات می‌کردند و اکثراً آن‌ها را از بین می‌بردند. در دوره صفویه مجازات‌ها به حد اعلای خشونت و بی‌رحمی رسید. اجرای مجازات‌ها به دست میر غضبان بسیار ظالمانه و غیرانسانی بود. جرایم و مجازات‌ها تابع ضابطه و قاعده‌ای نبودند.» (Ibid). در دوره عباسیان، زجر و شکنجه در زندان‌ها به نهایت شدت می‌رسید.

مرتضی راوندی در تاریخ اجتماعی ایران به وضع دلخراش زندانیان به زبان سعدی اشاره

دارد و می‌گوید:

چه تاوان زن و طفل بیچاره را

گنه بود مرد ستمکاره را

که ممکن بود بی‌گنه در میان

نظر کن بر احوال زندانیان

بیندیش از آن طفلک بی پدر و زآه دل دردمندش حذر
در سال ۱۲۹۲ شمسی دولت ایران به منظور سروسامان دادن به وضع شهربانی کشور
عده‌ای مستشار از کشور سوئد استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظامنامه زندان‌ها را تهیه
کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیئت دولت رسید. در این آیین‌نامه، زجر بدنی و
زنجیرکردن زندانیان ممنوع گردید.

در ۳۱ شهریورماه ۱۳۰۷ نظامنامه تشکیلات محبس و توقیف، و وظایف مأموران و
مستخدمان تهیه شد و به تصویب هیئت وزیران رسید. در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی اولین
زندان ایران (زندان قصر) جهت نگهداری ششصد نفر محکوم بنا گردید.

در مهرماه ۱۳۴۷ اولین آیین‌نامه زندان‌ها با توجه به اصول علم زندان‌ها به تصویب رسید و
در سال ۱۳۵۴ آیین‌نامه مذکور اصلاح شد، ولی به علت نبود امکانات، اکثر مفاد آن اجرا
نگردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ هفتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ آیین‌نامه زندان
تحت عنوان «آیین‌نامه امور زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی جمهوری اسلامی ایران» در
جلسه ۳۳۷ شورای عالی قضایی تصویب و به مورد اجرا گذاشته شد. در ششم بهمن‌ماه ۱۳۶۴
قانون شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به شکل جدید آن از
تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
به عنوان یکی از سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه مستقلاً تشکیل شد.^(۱)

مبانی نظری پژوهش

زندان تاریخی بسیار کهن دارد. مجرمان یا به شدت مجازات می‌شدند، یا در
مکان‌هایی مخوف به نام زندان تمام عمر را می‌گذرانند. مجرم از هیچ‌گونه حمایت

۱- بررسی تطبیقی وضعیت نیروی انسانی سازمان زندان‌های کشور با کشورهای شاخص جهان. گروه

پژوهشی روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ۱۳۷۷، ص ۸

قانونی برخوردار نبود. در آغاز سده هجدهم میلادی همزمان با آغاز رنسانس در اروپا، برخی متفکران اجتماعی نظیر سزار بکاریا (Cesaer Beccaria, 1738-1794) و جرمی بنتام (Jeremy Bentham, 1784-1829) به شیوه‌های مرسوم مجازات در اروپا اعتراض کردند و هدف از مجازات را ترساندن مجرمان و جلوگیری از اقدام به جرم اعلام کردند.

جرم‌شناسان اروپایی در سده نوزدهم مانند سزار لومبروزو (Cesare Lombroso, 1835-1909)، انریکو فری (Enrico Ferric, 1856-1926) و رافائل گاروفالو (Raffaele Garofalo, 1852-1934) به مطالعه مجرمان دست زدند. مطالعات آن‌ها محدود به مجرمان بود و معلوم نبود که خصایص مورد نظر آن‌ها تا چه اندازه می‌تواند مجرمان را از غیرمجرمان جدا کند.

زیگموند فروید و پیروان او به جای توجه به خصوصیات جسمانی، به مطالعه خصیصه‌های روانی و شخصیتی بیماران روانی و افراد غیرعادی دست زدند. عده‌ای از پیروان فروید ناهنجاری‌های رفتاری را به خصوصیات روانی و دسته‌ای به خصوصیات شخصیتی نسبت دادند.

در ابتدای سده بیستم از میزان اعتقاد به خصیصه‌های شخصیتی به منزله عامل بروز جرم کاسته شد. روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به طرح نظریه‌های جدید در حوزه برخورد با مجرمان پرداختند. اصلاح و تربیت مورد تأکید قرار گرفت و نظام آزادی مشروط، آزادی با تضمین و تحت نظارت، تا حدودی جانشین روش‌های قبلی شد.

دیدگاه جامعه‌شناختی

با آغاز سده بیستم، دسته‌ای از جامعه‌شناسان مانند جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو به مطالعاتی درباره جرم دست زدند و سرانجام به منظور کاهش جرم، تغییر در سازمان اجتماعی مناطق جرم‌خیز را پیشنهاد کردند. پس از انتشار آرای جامعه‌شناسان ساختگرا برای کاهش جرم،

برنامه‌هایی به منظور افزایش فرصت‌های شغلی در جامعه مورد تأکید قرار گرفت. جامعه‌شناسان مکتب ستیزه نظیر ویلیام چیمبلیس (William Chambliss) و ریچارد کوئینی (Richard Quinny) به مطالعه جرم در زمینه ساخت اجتماعی دست زدند و به این نتیجه رسیدند که با کاهش فاصله اقتصادی و فشار نیروهای اجتماعی بر قشرهای محروم، آمار جرم در جامعه کاسته می‌شود. کوئینی راه کاهش جرم را کاهش نابرابری‌های اجتماعی و مشارکت مردم در نظام قدرت می‌داند و می‌گوید جرم در جوامع سرمایه داری وسیله بقای کسانی است که هیچ منبع دیگری برای بقای خود در اختیار ندارند (Lilly, 1995: 163). نظریه‌های ستیزه اجتماعی توانست وارد سیاست‌گذاری‌های اجتماعی شود، مگر آن بخشی که به صورت اصلاحات اجتماعی قابل عمل بود. نظریه‌های آنان به کاهش خشونت علیه مجرمان، توجه بیش‌تر به مجرمان فقیر به صورت گرفتن وثیقه و تضمین، حذف مجازات اعدام، عدم سرکوب جنبش‌های اعتراضی، حمایت از زندانیان و مانند آن منجر شد.

نظریه کنترل

در اواخر سده بیستم، شاهد ظهور جامعه‌شناسانی هستیم که با طرح پرسش‌هایی جدید در حوزه جرم، به جست‌وجوی یافتن پاسخ برای آن‌ها برآمدند. آرای این دسته از جامعه‌شناسان تحت عنوان نظریه‌های کنترل مورد بحث قرار می‌گیرند. نظریه آن‌ها ترکیبی از عوامل ساختاری و عوامل فردی است. نظریه این دسته از جامعه‌شناسان مبنای فرضیه‌های این پژوهش قرار دارد. بر اساس نظریه آنان، بازپروری و اصلاح مجرمان نیازمند حفظ مجموعه‌ای از پیوندهای اجتماعی با خانواده، جامعه یا نهادهای اجتماعی است، و از سوی دیگر مستلزم رشد مجموعه‌ای از خصیصه‌های فردی است.

به نظر جامعه‌شناسان مکتب کنترل، برای جلوگیری از تخلف و جرم این کافی نیست که به عوامل همراه با جرم توجه شود، بلکه برعکس، شناخت عوامل مؤثر در حفظ و تداوم

درست رفتاری اهمیت بیش تری دارد. جامعه‌شناسان نظریه کنترل به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که چرا همه کسانی که دچار تنش روانی می‌شوند و زیر فشارهای ساخت اجتماعی قرار می‌گیرند دست به کج‌روی نمی‌زنند. پاسخ آنان به چگونگی تضعیف کنترل‌های اجتماعی و تضعیف حفاظ‌های درونی برمی‌گردد.

از جمله پیشگامان این نظریه البرت جی رایس (Albert J. Reiss) است که می‌گوید انحراف از هنجارها زمانی پیش می‌آید که هنجارها و قواعد رفتار در فرد درونی نشده یا قواعد و شیوه‌های اجرایی آن‌ها در جامعه شفاف نباشد یا دچار تضاد باشد. والتر سی. رکلس (Walter C. Reckless) از دیگر جامعه‌شناسان این مکتب است. که به مجموعه‌ای حفاظ‌های بیرونی مانند داشتن یک نقش اجتماعی معنی‌دار در جامعه اشاره می‌کند. از نظر رکلس درونی شدن مجموعه‌ای از حفاظ‌های درونی مانند تصویر از خود مطلوب، هدف‌داشتن، تحمل ناکامی و اعتقاد به هنجارهای اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است (Pfohl, 1985: 162).

تراویس هرشی (Travis Hirshi)

هرشی تعامل پایدار فرد با عناصر موافق هنجارها و قواعد اجتماعی را نشانه‌ای بر پیوستگی فرد با خانواده یا جامعه می‌داند. چنانچه تعامل فرزند با والدین یا مدرسه طوری باشد که فرزند خود را فردی شایسته و دانش‌آموز، خود را فردی ممتاز حس کند، میل به رعایت هنجارهای اجتماعی بیش‌تر می‌شود. یک عمل خلاف، موقعیت اجتماعی یا مزایای کسب شده را به خطر می‌اندازد.

عامل دیگری که به پیوند فرد با جامعه کمک می‌کند، پرکردن اوقات فراغت با فعالیتهای مورد تأیید جامعه و فقدان فرصت‌های دیگر برای اقدام به فعالیتهای خلاف هنجارها است. هرشی روی عامل دیگری تأکید دارد. چنانچه هنجارهای اجتماعی به عنوان ابزار ارتقاء

مورد توجه واقع نشود، پیوستگی فرد با جامعه دچار مخاطره می‌شود. و فرد تمایلی برای حفظ و ادامه هنجارهای اجتماعی ابراز نخواهد کرد.

نظریه‌های خودپنداره

در سال ۱۹۹۰ مایکل گاتفردسون (Michael Gottfredson) و تراویس هرشی بر نکته‌ جدیدی در نظریه کنترل تأکید کردند (Lilly, 1995: 103). همان‌طور که اشاره شد، نظریه پردازان نظریه کنترل کم‌تر به کنترل‌های درونی شده و بیش‌تر بر تداوم ارتباط با قواعد و هنجارهای جامعه، خانواده، مدرسه و اشتغال به کارهای اجتماعی تأکید داشتند. بعدها متوجه شدند که پیوندهای اجتماعی پیش‌گفته به‌تنهایی برای دور نگه‌داشتن فرد از کج‌روی کافی نیست، بلکه احساس کنترل بر خود نیز متغیر فردی مهمی است که پس از رشد می‌تواند فرد را در مقابل وسوسه‌های شیطانی حفظ کند.

مفهوم خودپنداره یا تصویر از خویشتن از موضوعات مورد بحث روان‌شناسان در چند دهه اخیر بوده است. ویلیام جیمز (William James) برای اولین بار این مفهوم را به بحث کشید (۱۹۰۷). سپس چارلز کولی در سال ۱۹۰۲ و مید در سال ۱۹۳۴ چگونگی ظهور این مفهوم را از طریق تعاملات اجتماعی شرح دادند.

تصویر از خود یا خودپنداره هر چه باشد، به نظر بزرگان روان‌شناسی بر چگونگی رفتار آدمی اثر می‌گذارد. دو روان‌شناس شناختی معاصر بنام سوزان فیسک (Fiske) و شلی تایلور «خویشتن فرد را تصویری شناختی از خصوصیات شخصیتی، نقش‌های اجتماعی، تجارب فرد در گذشته و اهداف آینده او ذکر می‌کنند» (Fiske, 1991: 181).

آنان این مفهوم را با خصوصیات شخصیتی، نقش‌های اجتماعی و اهدافی که فرد برای آینده دارد، مرتبط می‌سازند و معتقدند که اطلاع از این مفهوم به فرد کمک می‌کند اهدافی در حد توان خود برگزیند و انگیزه لازم برای حرکت به سوی هدف را دارا باشد (Ibid).

اریک فروم روانکاو و روان‌شناس از اولین کسانی است که رابطهٔ نزدیک بین ارزیابی فرد از خود و داشتن احساس به دیگران را دریافت. به نظر او ارزیابی منفی از خود و احساس حقارت، فرد را به سوی روان‌نژندی می‌برد و می‌گوید: «نفرت از خود با نفرت از دیگران دو تصویر شناختی جداناپذیر از یکدیگرند» (Field, 1974: 85). سال‌ها بعد کارل راجرز پدیدهٔ مشابهی را در بیماران خود مشاهده کرد. کسانی که احساس می‌کردند توانایی بسیار کمی برای رسیدن به هدف دارند، قبول دیگران برایشان بسیار سخت و دشوار بود (Ibid, 84). به نظر جرگین، از استادان دانشگاه، استوارت مور مطالعات متعدد همبستگی مثبت بین احترام به خود و پذیرش بالای دیگران نشان داده است (Ibid). به نظر او، اگر فردی خود را کم‌تر از دیگران ارزیابی کند، در واقع نمی‌تواند به خود بقبولاند که دیگران خصوصیات مثبتی دارند و نسبت به دیگران - حتی والدین و دوستان - نفرت پیدا می‌کند. کارل راجرز احترام به خود را یکی از نیازهای اساسی انسان می‌شمارد که در برخی موارد اثر آن در هدایت رفتار مقدم بر نیازهای فیزیولوژیک است» (Ibid).

مظفر شریف در کتاب خود به نکته مهمی در این باره اشاره می‌کند و می‌گوید که روان‌شناسان طی سال‌ها مطالعه نتوانستند اثر انگیزه‌ها و خصیصه‌های شخصیتی مختلف انسان را در مفهومی واحد بیان کنند و بالاخره به یک مفهوم کلی و جامع دست یافتند که همان تصویر از خویش است و از آن تحت عنوان *self-conception* یا *self* نام بردند و اثر آن را در اعمال روزانه مورد مطالعه قرار دادند (Sherif & Sherif, 1969: 348).

هورتون و هانت در بحث از تأثیرات متقابل شخصیت و جامعه، این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا برخی جوانان همسالانی را برمی‌گزینند که موافق ارزش‌های بزرگسالان هستند و چرا برخی همسالانی را برمی‌گزینند که مقابل ارزش‌های بزرگسالان می‌ایستند. علت را به تصویر از خود جوانان مربوط می‌کنند و می‌گویند جوانانی که خود را مورد قبول، علاقه و تحسین دیگران نمی‌بینند یا خود را از دید آنان بی‌ارزش احساس می‌کنند به جست‌وجوی

جوانانی مشابه خود می‌روند و با تشکیل گروه‌های نابهنجار به رفتارهای خشونت‌آمیز دست می‌زنند و برعکس جوانان بهنجار با توجه به تصویری که از خود دارند، به طرف افراد مشابه خود می‌روند و رفتار خود را در میان آن‌ها تقویت می‌کنند (Horton & Hunt: 1984: 92). جیمز کلمان نیز معتقد است که تصویر منفی از خود تقریباً همیشه یادگیری و انجام دادن تکالیف در مدرسه را مشکل می‌سازد (Ibid, 105).

نتیجه‌گیری از مباحث نظری

همان‌طور که از مباحث نظری مطرح شده برمی‌آید، روش برخورد با زندانی همواره متأثر از اندیشه‌ها و نظریه‌های متفکران اجتماعی بوده است. از آن‌جا که این‌گونه نظریات از ابعاد خاص به جرم می‌نگریستند، شیوه‌های برخورد با مجرمان نیز دچار نوسان بوده و هنوز هم مورد بحث و گفتوگوست. در میان نظریه‌های مختلف، نظریه‌های کنترل اجتماعی از زاویه جدیدی به جرم می‌نگرند و به پرسش‌هایی پاسخ می‌دهند که سایر نظریه‌ها نتوانسته‌اند. از این دیدگاه، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی همان قدر اهمیت دارد که مطالعه علل ناهم‌نوایی، تا انسان از هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی گسسته نشود، راه برای کج‌روی گشوده نیست و بر عکس، برای اصلاح مجرم تا روابط اجتماعی او با جامعه و گروه‌های اجتماعی که حافظ هنجارها هستند پیوند نخورد، قبول و حفظ درست‌رفتاری تضمین نخواهد شد.

در نظریه کنترل بر دو دسته عوامل حافظ درست‌رفتاری تأکید شده است: عوامل کنترل‌های بیرونی و کنترل‌های درونی. از جمله عوامل مؤثر بر حفظ درست‌رفتاری، داشتن نقش اجتماعی مهم و معنادار در جامعه و تقویت آن از طریق عمل به هنجارهای اجتماعی و تأیید آن توسط گروه‌های نخستین است.

با توجه به مباحث فوق، چنانچه حبس‌کردن مجرم مجازات تلقی شود و اصلاح زندانی هدف قرار گیرد، ایجاد و حفظ دو دسته عوامل کنترل ضرورت می‌یابد. دسته اول، حفظ پیوند

با نهادهای نخستین از جمله خانواده است که در این طرح تحت عنوان «پیوستگی با خانواده» و مطرح می‌شود و دسته دوم، حفظ پیوند با ارزش‌های اجتماعی مورد قبول جامعه است که تحت عنوان «پیوستگی با جامعه» مطرح می‌گردد. از عوامل کنترل درونی نیز برداشت و نگرش افراد نسبت به خود است که تحت عنوان «خودپنداره» از آن سخن گفته می‌شود.

بنابراین، چنان‌چه توقف و اقامت در زندان بتواند در ایجاد و حفظ پیوندهای خانوادگی، اجتماعی یا خودپنداره افراد تأثیرات مثبت ایجاد کند، مفهوم «اصلاح» تحقق پیدا خواهد کرد. جهت روشن‌تر شدن آثار اقامت در زندان بر زندانی، سعی شده است عوامل فردی، عوامل مربوط به وضعیت جرم، و عوامل مربوط به زندان تفکیک شوند.

فرض‌های تحقیق

جهت سنجش پرسش اصلی این طرح که مطالعه اثر زندان بر زندانی است، طبق چارچوب نظری طرح، سه ویژگی عمده که پایه و اساس اصلاح است، جایگزین متغیر وابسته کرده‌ایم. پیوستگی زندانی با خانواده، پیوستگی زندانی با جامعه، و خودپنداره زندانی جایگزین متغیر وابسته هستند. اثر اقامت در زندان نیز با توجه به سه دسته عوامل اندازه‌گیری می‌شود: مشخصات فردی زندانیان مانند سن و وضعیت تأهل؛ وضعیت جرم مانند زمان توقف در زندان و داشتن حکم محکومیت؛ و موقعیت زندان مانند میزان دسترسی زندانیان به برخی امکانات و احساس نیاز آنان به امکانات. با توجه به متغیرهای فوق فرضیه‌ها به شرح زیر تدوین شدند:

۱-۱- احتمالاً بین تغییر پیوستگی زندانی با خانواده و ویژگی‌های فردی زندانیان رابطه وجود دارد.

۲-۱- احتمالاً بین تغییر پیوستگی زندانی با جامعه و ویژگی‌های فردی زندانیان رابطه وجود دارد.

۳-۱- احتمالاً بین تغییر خودپنداره زندانی با ویژگی‌های فردی زندانیان رابطه وجود دارد.

۱-۲- احتمالاً بین تغییر پیوستگی زندانی با خانواده و وضعیت جرم زندانیان رابطه وجود دارد.

۲-۲- احتمالاً بین تغییر پیوستگی زندانی با جامعه و وضعیت جرم زندانیان رابطه وجود دارد.

۳-۲- احتمالاً بین تغییر خودپنداره زندانی و وضعیت جرم زندانیان رابطه وجود دارد.

۱-۳- احتمالاً بین تغییر پیوستگی زندانی با خانواده و وضعیت زندان و احساس نیاز آنان به آن امکانات رابطه وجود دارد.

۲-۳- احتمالاً بین تغییر پیوستگی زندانی با جامعه و وضعیت زندان و رابطه وجود دارد.

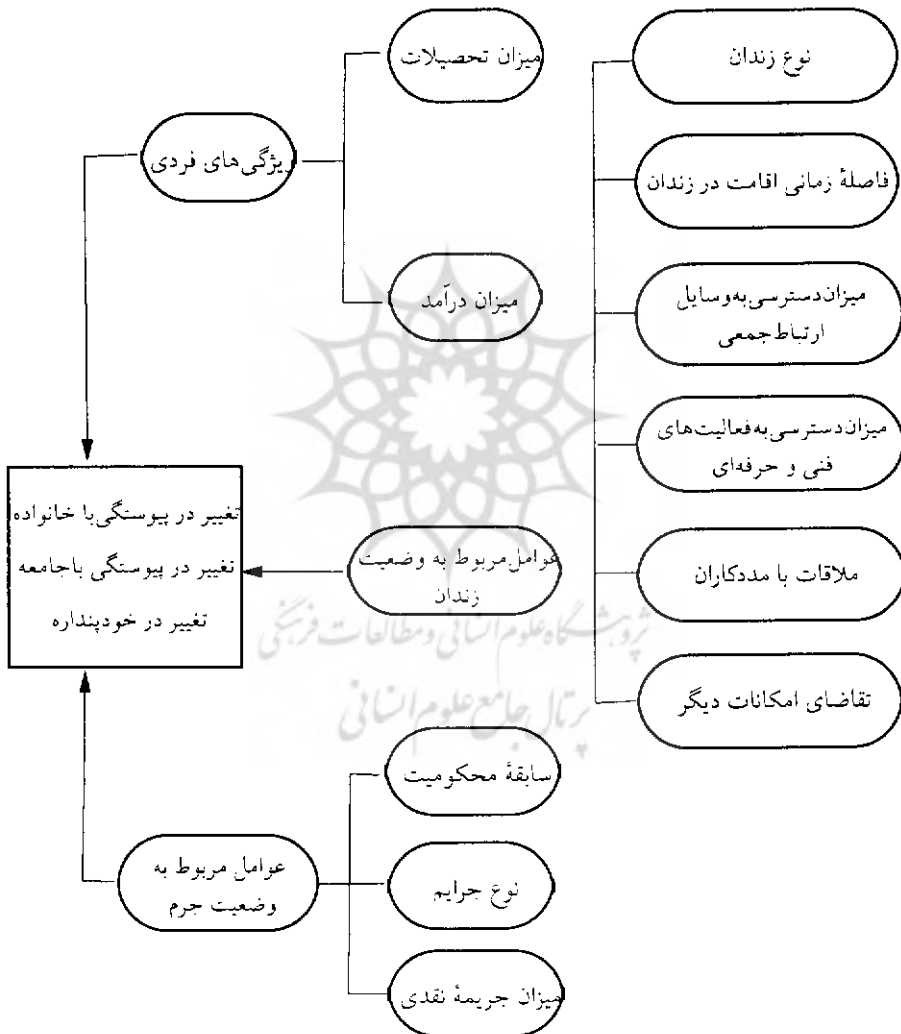
۳-۳- احتمالاً بین تغییر خودپنداره زندانی و وضعیت زندان رابطه وجود دارد.

مبانی روش پژوهش

همان‌طور که در بخش اول بیان شد، هدف از این مطالعه بررسی اثر زندان بر زندانی است هدف از زندانی کردن، مجازات (ایجاد ترس) و در صورت امکان، اصلاح مجرم است. برای پی بردن به اثر زندان بر زندانی از متغیرهای مهم درست‌رفتاری در نظریه کنترل اجتماعی استفاده شده است. طبق این نظریه، به منظور برآورد اثر زندان بر زندانی به میزان پیوستگی زندانی با خانواده، با جامعه و تصویر او از «خودپنداره» در دو مقطع زمانی - ورود به زندان و پس از یک اقامت دو ماه تا چهار ماه برای نوبت دوم - اندازه‌گیری شده است.

به منظور مطالعه چگونگی تغییرات فوق در زندانیان از مجموعه عوامل میانی در سطح خرد به منزله عوامل مستقل سود برده‌ایم که عبارتند از برخی ویژگی‌های مربوط به وضعیت جرم مانند سابقه محکومیت، نوع جرم و میزان جریمه و برخی ویژگی‌های مربوط به محیط زندان مانند نوع زندان، فاصله زمانی اقامت در زندان، میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، دسترسی به فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای، میزان ملاقات با بستگان یا مددکار زندان و ...

نمودار شماره ۱- مدل نظری تحقیق



منظور از پیوستگی زندانی با خانواده، میزان رابطه عاطفی زندانی با خانواده است که نمونه‌ای از پرسش‌های آن به قرار زیر است:

۱- اگر مطلع شوید که اعضای خانواده از برخی رفتارهای شما رنجیده‌اند، چقدر مایلید ناراحتی آن‌ها را رفع کنید؟

۲- تا چه حد از وجود یکی از والدین در زندگی خود احساس غرور می‌کنید؟

پیوستگی با جامعه از طریق اشتغال در جامعه، و احساس توفیق در کار و پایبندی به هنجارهای اجتماعی اندازه‌گیری شده و نمونه پرسش‌های آن به شرح زیر است:

۱- تا چه حد احساس می‌کنید در شغل خود جزو آدم‌های موفق بوده‌اید؟

۲- تا چه حد احساس می‌کنید که هر کس در کار شغلی خود تلاش کند و زحمت بکشد می‌تواند موفق شود؟

تعریف خودپنداره از دو روان‌شناس شناختی معاصر به نام‌های سوزان تی. فیسک و شلی ای. تایلور است که در بحث نظری «خودپنداره» بیان شد. به منظور اندازه‌گیری خودپنداره از آزمون ساخته‌شده توسط کارل راجرز استفاده شده است. این قسمت حاوی پرسش‌های مختلفی است که از یک تا بیست درجه تقسیم و به صورت ضعیف تا قوی، عمیق تا سطحی، مهربان تا ظالم، عصبی تا راحت و صفات دیگری مانند آن تنظیم شده است.

متغیرهای میانی مورد مطالعه همان‌طور که در فوق اشاره شد، مجموعه عوامل دموگرافیک مانند سطح سواد، نوع شغل، درآمد، مدت اقامت در زندان، برخی ویژگی‌های مربوط به وضعیت جرم، و برخی ویژگی‌های مربوط به تسهیلات و امکانات محیط زندان است که در یافته‌ها به طور کامل بیان شده است.

تعیین جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری در این بررسی زا کلیه ورودی‌های زندان قصر و زندان اوین که طی دو هفته

وارد می‌شوند، تشکیل می‌دهند. از میان این افراد، طبق فهرست‌های کامپیوتری موجود و همچنین نحوه پراکندگی آنان در روزهای مختلف هفته، تعدادی به طور تصادفی انتخاب شدند. این تعداد برحسب روزهای هفته (یک روز در میان) و به صورت پوشش کامل ورودی‌ها مورد پرسش و مصاحبه قرار گرفتند.

به منظور بررسی تأثیر زندان، پرسش‌ها در دو مرحله انجام گرفت. مرحله اول یا پیش آزمون و مرحله دوم یا پس‌آزمون که پس از سپری شدن چند ماه در زندان، پاسخگویان مجدداً مورد پرسش واقع شدند تا مشخص شود که این مدت اقامت چه تأثیری بر زندانیان داشته است. علاوه بر آن، جهت سنجش متغیر زمان و مدت اقامت در زندان برخی از زندانیان در فاصله دو ماه و برخی در فاصله چهار ماه مورد مطالعه قرار گرفتند. بدین ترتیب، حجم نمونه در این پژوهش با توجه به تعداد ورودی‌ها و در نظر گرفتن شرایط ذکر شده ۸۶ زندانی بوده است.^(۱)

روش تحقیق، روش‌ها و شیوه‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، از روش نیمه‌آزمایشی استفاده شد. در مرحله پیش‌آزمون هنگام ورود به زندان و پس‌آزمون بعد از اقامت چندماهه در زندان، از شیوه پرسشنامه و مصاحبه برای گردآوری اطلاعات بهره‌گیری شده است. برای اندازه‌گیری «خودپنداره» از آزمون استاندارد شده کارل راجرز، یکی از روان‌شناسان مشهور و پرکار استفاده گردید. برای بخش‌های دیگر پرسشنامه مثل پیوستگی با خانواده و جامعه از پرسش‌ها و آزمون‌های رایج در مجلات بین‌المللی جامعه‌شناسی بهره‌گیری شده است.

در زمینه تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده نیز از جداول یک‌بعدی و آمارهای مربوط به

۱- لازم به توضیح است که در مرحله پیش‌آزمون تعداد ۱۵۴ زندانی مورد پرسش قرار گرفتند، ولی تعداد قابل توجهی از آنان تا مرحله دوم آزاد شده بودند.

آن مثل میانگین، میانه و نما برای توصیف و از جداول دوبعدی و آزمون‌های کاسکوثر، کندال و گاما جهت تبیین و برای مقایسه داده‌ها از آزمون T و برای سنجش تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از رگرسیون چندمتغیری استفاده شد.

روایی و پایایی

در ارزیابی میزان اعتبار یا روایی پرسشنامه علاوه بر استفاده از نظر کارشناسان اداره آموزش و پرورش استان و وزارت کشور، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. در این روش به منظور برآورد اعتبار و همچنین سنجش پایایی پرسشنامه، نخست معرف‌های هر یک از مقیاس‌های اندازه‌گیری مورد تحلیل قرار گرفت. از هر عامل معرف یا معرف‌هایی که دارای همبستگی بالاتر از ۰/۷ بودند، انتخاب گردید. به این ترتیب ضمن کاهش تعداد معرف‌ها و نهایتاً تعداد متغیرها، پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت. علاوه بر آن، پرسشنامه نهایی دوباره مورد پیش‌آزمون قرار گرفت. مقایسه نتایج، ضریب پایایی را بالاتر از حد مورد انتظار نشان داد.

توصیف داده‌ها

میانگین سن زندانیان زندان قصر ۳۳ سال و اوین ۳۶ سال بوده است. زندانیان قصر جوان‌تر از اوین هستند. زندانیان متولد تهران کمی بیش از زندانیان متولد سایر استان‌های کشورند. میانگین سال‌های اقامت در تهران حدود بیست‌سال است. سال‌های اقامت اکثریت زندانیان شهرستانی در تهران کمتر از ده سال است. اکثر زندانیان متأهل هستند به طوری که درصد زندانیان متأهل در ندامتگاه اوین به هشتاد درصد و در قصر به ۶۳ درصد می‌رسد. تحصیلات نیمی از زندانیان در حد بی‌سواد تا راهنمایی است و سواد اکثریت آنان در سطح تحصیلات متوسطه و دیپلم است و تنها ۱۰/۸ درصد آنان فوق دیپلم و لیسانس هستند. مشاغل ۴۵ درصد

زندانیان در زمره مشاغل آزاد و فنی و حرفه‌ای است و کم‌ترین درصد یعنی ۳/۶ درصد متعلق به مشاغل علمی و تخصصی است. ۲/۴ درصد آنان را دانش‌آموزان، دانشجویان و بازنشستگان تشکیل می‌دهند.

میانگین درآمد زندانیان اوین بالاتر از قصر است. اکثر زندانیان بین پنجاه هزار تا یکصد هزار تومان درآمد ماهیانه داشته‌اند و میانگین درآمد آنان ۲۰۳ هزار تومان بوده است.

در مورد سابقه محکومیت، این نکته قابل ذکر است با این‌که در این مطالعه، زندانیان تازه وارد مورد مطالعه بوده‌اند، اما برخی از آنان که پانزده درصد را شامل می‌شوند، دارای سوابق قبلی بوده‌اند. بالاترین رقم به چک بی‌محل و سرقت اختصاص دارد که مجموعاً ۶۱ درصد جرایم را شامل می‌شود و مبین وضع نابسامان اقتصادی در سال‌های اخیر است.

در پاسخ به علل و نوع جرم نیز اکثر آنان به عوامل اقتصادی اشاره کرده‌اند و مشکلات خانواده بسیار کم به عنوان علل جرم ذکر شده است. عوامل اقتصادی، اجتماعی و حقوقی در کل دو برابر عوامل فردی مورد اشاره است.

اثر زندان بر پیوستگی زندانیان با خانواده به نسبت بیش‌تر منفی و بی‌اثر است (۵۴ درصد در مقابل ۴۶ درصد) اثر زندان بر پیوستگی زندانیان با جامعه به نسبت بیش‌تر منفی و بدون اثر است (۵۴ درصد در مقابل ۴۶ درصد). اثر زندان بر خودپنداره زندانیان نیز به نسبت بیش‌تر منفی و بی‌اثر است. در کل می‌توان گفت که اثر سکونت در زندان بر پیوستگی زندانیان با خانواده و جامعه و بر خودپنداره آنان بیش‌تر منفی و بی‌اثر است.

از کل زندانیان مورد مطالعه، اکثریت آنان یعنی ۵۲ درصد به مدت چهار ماه و مابقی به مدت دو ماه تا زمان مصاحبه در زندان سکونت داشته‌اند. از این تعداد، پنجاه درصد اظهار کرده‌اند که حکم محکومیت برای آن‌ها صادر شده است. در زمینه «تعیین تکلیف وضعیت» ۴۳ درصد گفته‌اند که تا زمان مصاحبه تعیین تکلیف نشده‌اند. تعداد افرادی که تعیین تکلیف نشده‌اند، در زندان قصر دو برابر اوین است. به لحاظ مدت حبس تعیین‌شده برای زندانیان،

میانگین زندان اوین دو برابر قصر است. میانگین کل مقدار حبس بیست و چهار ماه است. به لحاظ میزان جریمه نقدی، میانگین در حدود یک میلیون تومان است. میانگین جریمه نقدی در زندان اوین کمی بالاتر است.

در بخش دیگر درباره میزان دسترسی زندانیان به برخی امکانات و احساس نیاز به آن امکانات سؤال شده است. اکثر زندانیان اظهار کرده‌اند که برنامه ملاقات دارند که میانگین آن‌ها به ۸۵ درصد می‌رسد. در پاسخ به میزان ملاقات با مددکار اجتماعی ۲۸/۹ درصد پاسخ مثبت داده‌اند. این مقدار در زندان اوین سه برابر زندان قصر است. در پاسخ به این پرسش که تا چه حد متقاضی ملاقات با مددکار اجتماعی بوده‌اند، زندانیان زندان اوین ۸۷ درصد و زندان قصر تنها نوزده درصد پاسخ مثبت داده‌اند. به لحاظ میزان دسترسی به امکانات بهداشتی مانند پزشک، درمانگاه و دارو در زندان اوین ۸۶/۷ درصد و در زندان قصر ۵۲ درصد پاسخ مثبت داده‌اند. در پاسخ به اعلان نیاز امکانات بهداشتی، نیاز زندانیان اوین بیش‌تر است (۹۳ درصد در مقابل ۶۷ درصد).

در مورد میزان دسترسی به فعالیت‌های حرفه‌ای - فنی در هر دو زندان میزان آن را بسیار کم گزارش کرده‌اند. میزان دسترسی به این‌گونه فعالیت‌ها در زندان اوین رقم بالاتری است. در مورد اعلان نیاز به فعالیت‌های فنی - حرفه‌ای گزارش هر دو زندان تقریباً به یک اندازه است (۵۸ درصد اعلان نیاز کرده‌اند).

در مورد امکان دسترسی به فعالیت‌ها و کلاس‌های آموزشی هر دو زندان به یک اندازه گزارش کرده‌اند (حدود ۵۰ درصد زیاد) و در مورد اعلان نیاز به این‌گونه فعالیت‌ها ۶۵ درصد در حد زیاد مطرح کرده‌اند که تعداد متقاضیان در زندان اوین سه برابر قصر است.

در مورد میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی به خصوص تلویزیون حدود هشتاد درصد زندانیان آن را زیاد گفته‌اند. این رقم در میان زندانیان زندان اوین کمی بالاتر است. در پاسخ به اعلان نیازشان به این وسایل ۸۵ درصد آن‌را زیاد گزارش کرده‌اند که رقم آن در میان

زندانیان اوین به صد درصد می‌رسد.

در مورد میزان دسترسی به وسایل ارتباط کتبی مانند کتاب و مطبوعات، اکثریت آنرا بالا ذکر کرده‌اند (۷۱ درصد) که این رقم در میان زندانیان اوین بالاتر است و اعلان نیاز به این وسایل را نیز ۸۰ درصد زیاد گفته‌اند که این درصد در میان زندانیان زندان اوین به ۹۲ درصد می‌رسد.

در آخر، از زندانیان سؤال شده است که متقاضی چه امکانات دیگری در زندان هستند. اکثریت آنان یعنی ۶۵ درصد پاسخ نگفته‌اند و تنها ۳۵ درصد پاسخ مثبت داده‌اند. از میان کسانی که پاسخ مثبت داده‌اند، بیش‌ترین تعداد متقاضی امکانات ارتباطی بیش‌تر و در درجه دوم خواهان امکانات تفریحی و فرهنگی و عده‌ای نیز خواستار همه امکانات هستند.

نتایج تحقیق

برای مقایسه تأثیر زندان بر زندانیان در فاصله پیش‌آزمون و پس‌آزمون از فرمول مقایسه میانگین‌ها یا آزمون T استفاده کردیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که اقامت در زندان در فاصله بین دو آزمون اثری بر افزایش یا کاهش میزان پیوستگی با خانواده ندارد. مقایسه میانگین‌ها در مورد اثر زندان بر پیوستگی زندانیان با خانواده و پیوستگی با جامعه و خودپنداره آنان نیز اختلاف قابل توجهی نشان نمی‌دهد. یافته‌های این آزمون نشان می‌دهد که حضور در زندان در طی این مدت اثری بر متغیرهای وابسته نداشته است.

از میان عوامل فردی، زندانیانی که به لحاظ تحصیلات در حد راهنمایی و دبیرستان هستند و نیز به لحاظ درآمد در حد میانه‌ای قرار دارند، پیوستگی‌شان به خانواده بیش‌تر است. هرچند آزمون‌های آماری این رابطه را در سطح قابل قبول تأیید نمی‌کنند.

زندانیانی که سابقه محکومیت ندارند و جرم آن‌ها از نوع غیرمالی است، پیوستگی بیش‌تری با خانواده و زمینه بهتری برای اصلاح دارند و رابطه میان آن‌ها به لحاظ آماری مورد

تأیید است.

از میان عوامل مربوط به وضعیت جرم، رابطه میان جریمه نقدی و پیوستگی به خانواده معنی‌دار است. از میان عوامل مربوط به وضعیت زندان کم بودن زمان سکونت در زندان، برخورداری از وسایل ارتباط جمعی مثل تلویزیون و دسترسی به فعالیت‌های فنی - حرفه‌ای با پیوستگی به خانواده معنی‌دار است.

از میان عوامل فردی وضعیت جرم و عوامل مربوط به وضعیت زندان، تنها نوع زندان که دسترسی کم‌تری به فعالیت‌های فنی - حرفه‌ای دارند و نیز کسانی که با مددکاران ملاقات داشته‌اند و یا متقاضی امکانات بیش‌تری در زندان هستند، خودپنداره‌شان در جهت مثبت تغییر کرده است.

از میان عوامل مربوط به زندان، دو عامل در معادله رگرسیون دارای اهمیت است. یکی داشتن ملاقات‌کننده است که بر پیوستگی با خانواده اثر دارد و زمینه مساعد اصلاح را فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ملاقات با مددکار تأثیر چندانی بر پیوستگی زندانی با خانواده ندارد. چگونگی این امر مستلزم بررسی و مطالعه است.

از عوامل مربوط به وضعیت جرم، عدم سابقه محکومیت است که بر پیوستگی زندانی با خانواده می‌افزاید و زمینه اصلاح را فراهم می‌کند. در واقع می‌توان از این متغیر جهت افزایش پیوستگی با خانواده مدد جست.

از ویژگی‌های فردی زندانیان، دو ویژگی زمینه بهتری را جهت اصلاح فراهم می‌کند. یکی متولد خارج از تهران بودن است و دیگر داشتن جرم غیرمالی است.

عوامل دیگری در پیوستگی زندانی به خانواده سهم دارند که در این بررسی وارد نشده‌اند. دسترسی به وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون غیر از آن‌که وقت زندانی را پر می‌کند، اثر چندانی در پیوستگی زندانی به جامعه ندارد. این‌که چرا چنین است، موضوع تحقیق جداگانه‌ای است. نوع زندان هم در این پیوستگی اثر دارد و یافته‌ها نشان می‌دهد که اقامت در

جدول شماره ۱- خلاصه جداول دوبعدی

گاما	تای کندال سی		کاسکوئر		متغیر	رتبه
	sig	K.TC	sig	X ²		
۰/۱۳	۰/۳۰	-۰/۰۶	۰/۰۳	۶/۷	سابقه محکومیت و پیوستگی با خانواده	۱
۰/۳۰۲	۰/۰۷	۰/۱۶	۰/۰۹	۴/۷	نوع جرم و پیوستگی با خانواده	۲
۰/۵۸	۰/۰۱	۰/۳۱	۰/۰۷	۵/۴	میزان جریمه نقدی و پیوستگی با خانواده	۳
-۰/۳۶	۰/۳۰	-۰/۲۰	۰/۱۶	۳/۷	زمان اقامت در زندان و پیوستگی با خانواده	۴
۰/۶۷۳	۰/۰۰۰۸	۰/۳۴	۰/۰۰۵	۱۰/۵	میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی در زندان و پیوستگی با خانواده	۵
۰/۲	۰/۲۲	۰/۰۸	۰/۱۸	۳/۴	میزان دسترسی به فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای و پیوستگی با خانواده	۶
۰/۶۷	۰/۰۰۳	۰/۲۹	۰/۰۱	۸/۳	نوع زندان و پیوستگی با خانواده	۷
-۰/۲۹	۰/۱۴	-۰/۱۲	۰/۰۶	۵/۴	دسترسی به فعالیت‌های فنی - حرفه‌ای در زندان و خودپنداره	۸
-۰/۴۸	۰/۰۲	-۰/۲۳	۰/۰۴	۶/۱	ملاقات با مددکار و خودپنداره	۹
-۰/۳۹	۰/۰۳	-۰/۲۰	۰/۰۸	۵/۱	تقاضای سایر امکانات در زندان و خودپنداره	۱۰

اوین در پیوستگی زندانیان به جامعه مؤثر است.

از عوامل مربوط به وضعیت جرم، توقف کم‌تر در زندان و عدم صدور حکم محکومیت در پیوستگی آنان به جامعه سهم بیش‌تری دارد و برعکس، توقف طولانی و صدور حکم محکومیت از این پیوستگی می‌کاهد. بنابراین کسانی که محکومیت کم‌تری دارند یا حکم محکومیت را دریافت نکرده‌اند، زمینه پذیرش ارزش‌های اجتماعی را بیش‌تر دارا هستند. کسانی که درآمد بیش‌تری دارند، پیوستگی‌شان به جامعه بیش‌تر است و زمینه بهتری جهت اصلاح دارند، ولی دارندگان درآمد کم‌تر پیوستگی‌شان به جامعه کمتر است. تغییر درآمد افراد کم درآمد یک عامل خارجی است که در اختیار مراکز تأمین نیست. در واقع در پیش‌بینی تغییرات پیوستگی با جامعه می‌توان عوامل محکومیت کم‌تر، صدور حکم محکومیت و میزان درآمد را مورد توجه قرار داد.

مرتکبین جرایم مالی در مقایسه با جرایم غیرمالی کم‌تر به ارزش‌های جامعه پیوستگی دارند و زمینه‌های لازم برای اصلاح را کم‌تر دارا هستند و اصلاح آنان مشکل‌تر است.

از میان عوامل مربوط به زندان، دو عامل سهم بیش‌تری دارند. یک مورد به نوع زندان مربوط می‌شود یعنی کسانی که در اوین ساکن هستند زمینه مساعدتری برای اصلاح دارند. تحلیل تفاوت بین دو زندان مطالعه دیگری می‌طلبد و در این مطالعه فقط برخی تفاوت‌ها آشکار شده است. میانگین درآمد مددجویان زندان اوین بالاتر از قصر است. دسترسی آن‌ها به برخی امکانات درون زندان بیشتر است و باز هم متقاضی امکانات بیش‌تری هستند.

یافته دیگر این مطالعه رگرسیون حاکمی از نقش مثبت مددکاران در زندان اوین است به طوری که کسانی که خودپنداره‌شان در جهت مثبت تغییر کرده، بیش‌تر در ارتباط با مددکاران بوده‌اند.

از میان عوامل مربوط به وضعیت جرم، یافته‌های رگرسیونی نشان می‌دهد که کسانی که محکومیت قبلی ندارند، تغییر خودپنداره‌شان در جهت مثبت است و زمینه مساعدتری برای اصلاح دارند.

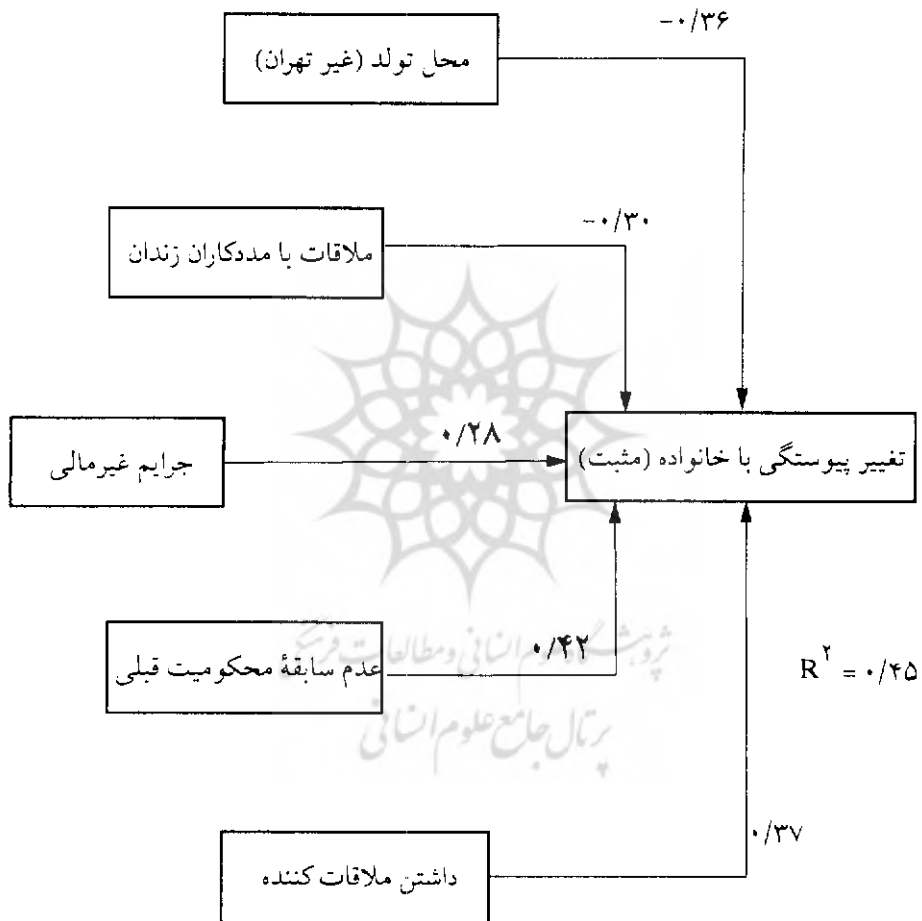
یافته‌های این طرح اهمیت نقش دو دسته عوامل بیرونی و درونی کنترل رفتار را آشکار می‌سازند. اصلاح زندانی با توجه به هر دو دسته عوامل امکان‌پذیر است. حفظ و تقویت پیوستگی با خانواده و جامعه از یک سو و داشتن خودپنداره مثبت و تقویت آن از دیگر سو اساس هر نوع اقدام اصلاحی است.

از عوامل فردی، برخی عوامل در ایجاد پیوستگی زندانی به خانواده و جامعه سهم بیش‌تری دارند که غیرمالی بودن نوع جرم، بالابودن میزان درآمد، متولد خارج از تهران بودن و در عین حال سال‌های بیش‌تری را در تهران ساکن بودن از جمله این عوامل هستند که انتخاب آنها در اختیار مقامات تأمین نیست ولی مقامات تأمین می‌توانند با توجه به این زمینه‌ها برای اصلاح آنان سرمایه‌گذاری کنند.

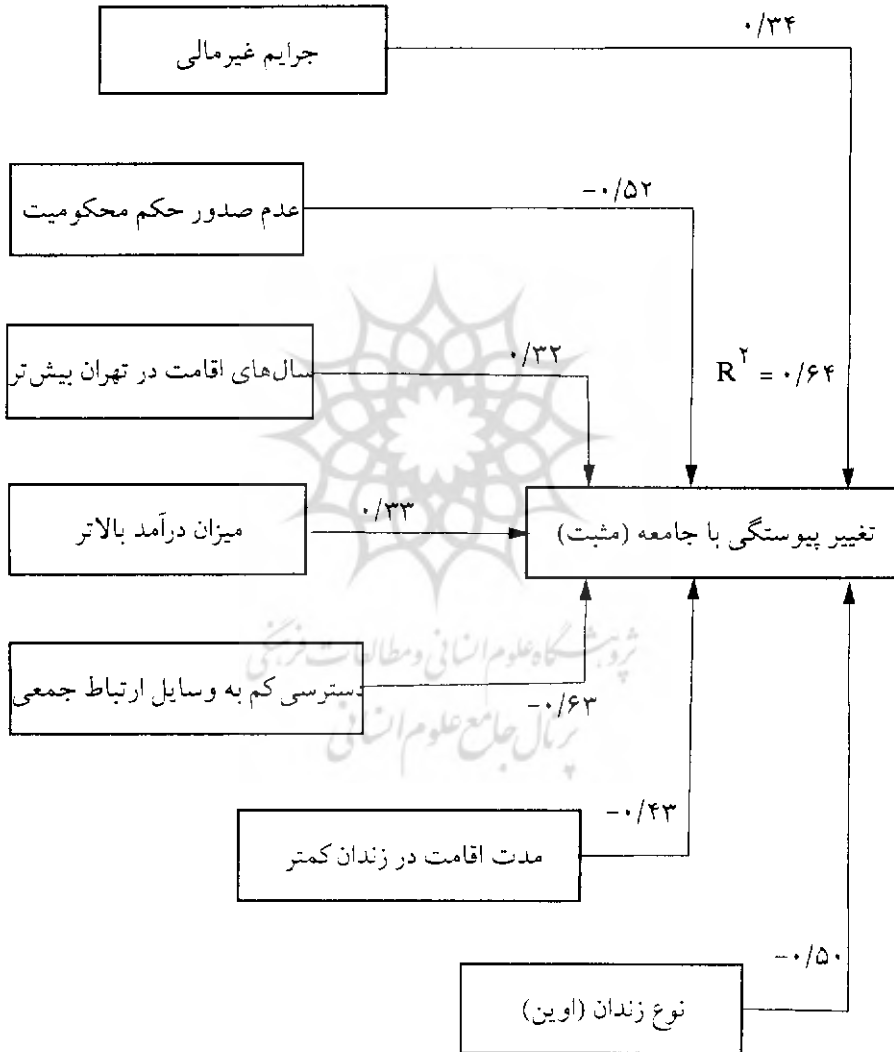
از سوی دیگر، برخی عوامل مربوط به وضعیت جرم نشان می‌دهد کسانی که حکم محکومیت آن‌ها صادر نشده است و مدت کم‌تری در زندان نگهداری می‌شوند و فاقد محکومیت قبلی هستند، شرایط مساعدی برای اصلاح دارند و تغییر در قوانین قضایی و حقوقی می‌تواند به ایجاد این شرایط کمک کند.

از میان عوامل مربوط به زندان، نوع زندان، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، دیدار با ملاقات‌کننده‌ها و داشتن ملاقات با مددکاران بر پیوستگی مددجویان به جامعه و خانواده و بر خودپنداره آنان تأثیر مثبت دارد. توجه به این عوامل کاملاً در محدوده اختیار مقامات امنیتی است.

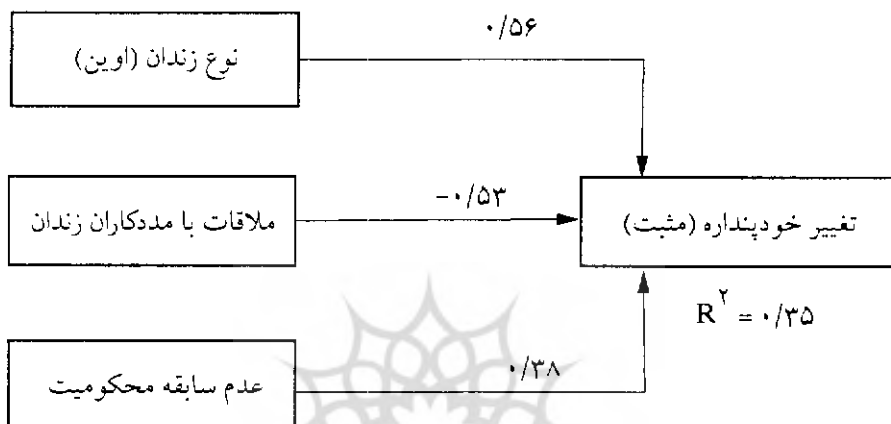
نمودار شماره ۲- رگرسیون مربوط به تغییر پیوستگی با خانواده



نمودار شماره ۳- رگرسیون مربوط به تغییر پیوستگی با جامعه



نمودار شماره ۴- رگرسیون مربوط به تغییر خودپنداره



حدود ۶۵ درصد از عواملی که می توانند در تغییر خودپنداره مددجویان مؤثر باشند مربوط به مجموعه شرایط دیگر یا متغیرهایی هستند که در این بررسی آورده نشده است. این مطالعه به طور روشن نشان دهنده این نکته کلیدی است که تغییر در خودپنداره، پیوستگی با خانواده و پیوستگی با جامعه به عوامل پیچیده‌ای مربوط می شود که توجه به آن‌ها لازم است. یافته‌ها نشان می دهد که اعمال شیوه مدیریت واحد (یکسان برای همه) در زندان نمی تواند تغییرات اصلاحی مورد نظر را در زندانیان فراهم آورد و این پیام را آشکار می سازد که به جای اعمال شیوه مدیریت واحد و یکسان برای همه زندانیان، لازم است از الگوهای دیگری استفاده شود که در آن، توجه به ویژگی های فردی، وضعیت جرم و امکانات زندان قابل انعطاف باشد و بتواند متناسب با تفاوت های فردی، وضعیت جرم و خودپنداره زندانیان از امکانات و تسهیلات مناسب جهت اصلاح زندانیان استفاده شود.

این مطالعه جهت بررسی اثر زندان بر زندانی بر اساس نظریه کنترل به اندازه گیری اثر

مجموعه‌ای متغیرهای مهم پرداخته و به این نتیجه رسیده که ایجاد هم‌نواپی با جامعه، با خانواده و برخورداری از یک خودپنداره مثبت حداقل در محدوده زمانی مورد مطالعه به عوامل گوناگون فردی و اجتماعی مرتبط است که با شیوه‌های مدیریت واحد (یکسان برای همه) نمی‌توان به اهداف مذکور دست یافت و یک مدیریت مؤثر باید به مجموعه این عوامل توجه کند.

به عبارت دیگر می‌توان گفت که ایجاد محیط نیمه‌باز حداقل برای کسانی که محکومیت قبلی ندارند، می‌تواند در حفظ پیوستگی زندانیان با خانواده، جامعه و به خصوص در تقویت «خودپنداره» آنان سودمند باشد. ایجاد انواع امکانات، اعم از امکانات آموزشی، فنی - حرفه‌ای و ارتباطی و مانند آن در محیط بسته زندان به طوری که بتواند پاسخگوی نیازهای متنوع و گوناگون مددجویان باشد، امری غیرممکن و بسیار پرهزینه است. در عوض، هدایت زندانیان در فضایی بیرون از محیط بسته و تحت مراقبت مسئولان این امکان را بهتر و با هزینه کم‌تر می‌تواند فراهم کند. از این طریق، زندانی از یک سو ارتباط خود را با جامعه قطع نخواهد کرد و از سویی دیگر با برخورداری از امکانات بیش‌تر در مسیر اصلاح قرار خواهد گرفت.

اثرگذاری مددکاران بر زندانیان با توجه به نوع زندان و تفاوت‌های فردی زندانیان متفاوت است. بنابراین در صورت تغییر در محیط بسته، دسترسی زندانیان به مجموعه‌ای از امکانات و تسهیلات در محیط باز و نیمه‌باز گشوده خواهد شد. مددکاران و مسئولان زندان می‌توانند از شیوه‌های کارآموزی سود ببرند. بنابراین اصرار بر حفظ آنچه تاکنون نتوانسته است به اهداف مسئولان و مددکاران که اصلاح زندانی است، جامعه عمل ببوشاند، به نظر، کاری بی‌حاصل است و اندیشه به طرح‌های نو و تازه که بتواند جان‌نشین وضع موجود شود، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

چند پیشنهاد به مسئولان

- ۱- محکومان دارای سابقه محکومیت را می‌توان از زندانیان بدون سابقه محکومیت جدا کرد و برنامه‌های اصلاحی را بیش‌تر متوجه زندانیان بدون سابقه کرد.
- ۲- زندانیانی که دارای جرایم غیرمالی هستند، از زندانیان جرایم مالی جدا شوند و چنین به نظر می‌رسد که بر خلاف تصور عامه، مجرمان غیرمالی زمینه مساعدتری برای اصلاح شدن دارند.
- ۳- زندانیانی که به لحاظ درآمدی وضع متوسط و بهتری دارند، آمادگی بیش‌تری برای پذیرش شیوه‌های اصلاحی دارند.
- ۴- کسانی که حکم محکومیت دریافت نکرده‌اند و مدت توقف آنان در زندان کم‌تر است، شرایط بهتری برای اصلاح دارند. بنابراین با توافق مسئولان قضایی می‌توان حکم محکومیت را معلق به شرایط خاصی کرد. زندانیان در این وضعیت راحت‌تر برنامه‌های اصلاحی را پذیرا خواهند بود.
- ۵- برحسب نیازها و آمادگی‌های فردی زندانیان می‌توان دسترسی آن‌ها به وسایل ارتباط جمعی را افزایش داد و امکان ارتباط با محیط بیرون و ملاقات با مددکاران را فراهم ساخت.
- ۶- بر اساس یافته‌ها اصلاح مجرم باید از دو جنبه مورد توجه قرار گیرد. جذب مجرم در جامعه و خانواده و رشد خودپنداره مثبت. این دو در ترکیب با هم می‌توانند به اصلاح زندانی بینجامند. مدیریت‌های اصلاحی لازم است ابزار و وسایل تحقق هدف‌های فوق را مورد توجه قرار دهند.
- ۷- مطالعه و شناخت روش‌های مدیریت اصلاحی و فراهم کردن محیط لازم برای آن، یکی از اهداف برنامه‌های آتی سازمان باشد.
- ۸- ارتباط با محافل علمی و مؤسسات پژوهشی برای حرکت به سوی نظام‌های مدیریتی جدید ضروری است.

- ۹- تخصیص مکان‌هایی در جوار بندها یا نزدیک به سالن‌های نگهداری مجرمان جهت اجرای تحقیق و مصاحبه با زندانیان برای پژوهشگران الزامی است.
- ۱۰- آموزش و تغییر نگرش کارکنان رده‌های میانی و پایین سازمان برای پذیرش روش‌های جدید مدیریت اصلاحی ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- ارونسون، الیور. روانشناسی اجتماعی، ترجمه دکتر حسین شکرکن، تهران: رشد، ۱۳۶۶.
- دانش، تاج‌زمان. حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- دانش، تاج‌زمان. بررسی مقدماتی مسائل زندان‌ها در ایران، تهران: دفتر مرکزی برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه
- راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.
- ۵- سخاوت، جعفر. جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: پیام نور، ۱۳۷۴.
- ۶- محمدی فرود، حمید و همکاران. بررسی تطبیقی وضعیت نیروی انسانی سازمان زندان‌های جمهوری اسلامی ایران با کشورهای شاخص جهان، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمین و تربیتی کشور، گروه پژوهشی روان‌شناسی و علوم اجتماعی، ۱۳۷۷.

- Bassis, M. S.; Gelles, R. J. and Levine, A. *Sociology: An Introduction*. McGraw - Hill, Inc, 1991.
- Field, D. *Social Psychology for Sociologists*, Nelson, 1974.
- Fiske, S. T. & Taylor, S. E. *Social Cognition*. International Edition, 1991.

- Gibbon, Don C. *Society, Crime, and Criminal Careers: An interoduction to criminology*. New Delhi: Prentice Hall of India, 1978.
- Goffman. "On the Characteristics of Total Institution" *in Modern Sociology* ed. by Peter Worsley. Penguin Education, 1974.
- Hagan, John. *Modern Criminology: Crime, Criminal Behavior, and its Contral*. McGraw - Hill, Inc, 1985.
- Horton, P. B. and Hunt, C. L. *Sociology*. McGraw - Hill Inc, 1984.
- 8- Lilly, J. R.; Cullen, F. T. & Ball, R. A. *Criminological Theory: Context & Consequences*. Sage Publication, 1995.
- Pfohl, S. J. *Images of Deviance & Social Control: A Sociological History*. McGraw - Hill, Inc, 1985.
- Sears, David O.; Peplau, A.; Freedman, J. L. & Taylor, S. E. *Social Psychology*. McGraw - Hill, Inc, 1988.
- Sherif, M. & Sherif, C. *Social Psychology*. International Edition, 1969.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی